

## مقاله پژوهشی: فراتحلیل مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران: تجربیات گذشته و چشم‌اندازهای آینده

هادی ثنائی پور<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۲

### چکیده

کارآفرینی در دهه‌های اخیر به‌عنوان متغیری تعیین‌کننده مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته و به تبعیت از آن، فعالیت‌های پژوهشی در حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی نیز به‌طور فزاینده‌ای در حال افزایش است. توجه پژوهشگران به سیاست‌گذاری کارآفرینی، حاکی از رشد تلاش‌های علمی در این حوزه بوده است. در این شرایط، توجه و دقت نظر نسبت به عملکرد عرصه دانشی و پژوهشی کشور در موضوع سیاست‌گذاری کارآفرینی و ویژگی‌های پژوهش‌های صورت‌گرفته در این حوزه، مسأله‌ای است که این پژوهش‌ناظر به آن است. هدف پژوهش حاضر، شناسایی روندهای حاکم و محتوای پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی، ارزیابی روش‌شناسی این پژوهش‌ها و تبیین چشم‌اندازی برای ارتقاء پژوهش‌های این حوزه است. برای دستیابی به این اهداف، کلیه مقالات منتشر شده در حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی در کشورمان با استفاده از روش فراتحلیل در شش گام بررسی شدند. یافته‌های پژوهش در سه بخش سیمای کلی پژوهش‌های پیشین، یافته‌های مرتبط با روش‌شناسی پژوهش‌ها و یافته‌های سیاست‌پژوهی، تبیین شده و در انتها، راه‌کارها و توصیه‌هایی ارائه شدند.

**کلیدواژه‌ها:** کارآفرینی، توسعه، سیاست‌گذاری، فراتحلیل.

<sup>۱</sup> - استادیار گروه مدیریت، دانشکده علوم انسانی آزادشهر، دانشگاه گنبد کاووس (sanaeepour@gonbad.ac.ir).

## مقدمه

یکی از مهمترین دغدغه‌های کشورهای توسعه‌یافته و دولت‌ها، دستیابی به سطوح بالاتر رشد و توسعه اقتصادی است. در جهان کنونی، میزان رشد اقتصادی، به‌مثابه شاخصی برای ارزیابی عملکرد سیاست‌های اقتصادی هر کشور عمل می‌کند و کشورهای دارای رشد اقتصادی بالاتر، عملکرد بهتری نسبت به کشورهای دارای رشد اقتصادی پایینتر داشته‌اند. کارآیی سیاست‌های اقتصادی هر کشور از طریق دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر تعیین می‌شود. یکی از بازیگران اقتصادی که در دهه‌های اخیر، نقش و اهمیت آن به‌عنوان یک متغیر تعیین‌کننده در رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته، کارآفرینان و فعالیت‌های کارآفرینانه آنها بوده است. کارآفرینی، شاخصی تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورهاست که توجه دولت‌ها را به‌خود جلب کرده و بر اساس آن، سیاست‌های حمایتی متنوعی برای رونق فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورها به اجرا درآمده است (آکس<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۴).

کارآفرینی به روش‌های مختلفی بر رشد اقتصادی تأثیر گذار است (استیل<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۴). می‌توان کارآفرینی را حلقه مفقوده در فرآیند رشد اقتصادی محسوب کرد (آدرچ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۵). شواهد متعددی مبنی بر سهم شرکت‌های کوچک و جدید کارآفرین در پویایی صنایع و منافع اقتصادی حاصل از آن وجود دارد. از این‌رو کارآفرینی به‌عنوان عامل مهمی در رشد اقتصادی مورد تأکید دولت‌ها می‌باشد (مورداک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). با توجه به تأثیر فعالیت‌های کارآفرینان در ایجاد اقتصاد نوآورانه و مزایای ناشی از آن، حمایت دولت‌ها از فعالیت‌های کارآفرینانه رشد زیادی داشته و در سالیان اخیر، دولت‌ها به‌طور جدی کارآفرینی را تشویق کرده‌اند (لند ستروم<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). هدف دولت‌ها از اجرای سیاست‌های حمایت از کارآفرینان، رفع موانع پیش‌روی آنها می‌باشد (مینیتی<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۶).

دولت‌ها با تدوین راهبردها، خط‌مشی‌ها و برنامه‌های عملی به‌منظور گسترش روحیه و رفتار کارآفرینانه و ایجاد فضایی مناسب برای فعالیت کارآفرینان در عرصه‌های مختلف، به‌دنبال رفع موانع و ایجاد ارتباط و همکاری بین بخش‌های مختلف بوده‌اند و تسهیلات و شرایط لازم را برای شروع فعالیت کارآفرینان فراهم کرده‌اند (لندستروم و همکاران، ۲۰۱۷).

<sup>۱</sup>- Acs

<sup>۲</sup>- Stel

<sup>۳</sup>- Audretsch

<sup>۴</sup>- Murdock

<sup>۵</sup>- Lundström

<sup>۶</sup>- Minniti

عملکرد کارآفرینان، توجیه کننده حمایت‌های دولتی و توجه سیاست‌گذاران به آنها بوده است. به همین دلیل است که کشورها به دنبال این هستند که چگونه اقتصاد کارآفرینانه پویا و رقابتی ایجاد کنند (استیونسون و لندستروم، ۲۰۰۱). تحقیقات دیده‌بان جهانی کارآفرینی نشان می‌دهد ۳۰ درصد تفاوت در نرخ رشد تولید ناخالص داخلی کشورها به واسطه فعالیت‌های کارآفرینان است (آدرچ و توریک، ۲۰۰۱). این نتایج، توجه سیاست‌گذاران را به خود جلب کرده به نحوی که امروزه، بخش مهمی از سیاست‌ها با هدف تسهیل شرایط برای فعالیت‌های کارآفرینان تنظیم می‌شوند (آکس و همکاران، ۲۰۱۶: ۵۷).

در ایران نیز با وجود اهمیت کارآفرینی در توسعه کشور، توجه سیاست‌گذاران به مقوله کارآفرینی، عمری کوتاه دارد و از همین رو، ابزارها و سیاست‌های توسعه کارآفرینی آنگونه که شایسته است فرصت بلوغ نیافته‌اند (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۵). به تبعیت از آن، دانش سیاست‌گذاری کارآفرینی نیز سابقه چندانی ندارد. هرچند در سالیان اخیر، توجه پژوهشگران به پژوهش در موضوعات مختلف مرتبط با سیاست‌گذاری کارآفرینی نشان از رشد تلاش‌های علمی پژوهشگران در این حوزه داشته است.

علی‌رغم پژوهش‌های انجام شده، عدم تبیین مبانی فکری سیاست‌گذاری کارآفرینی و برداشته‌های متفاوت از سیاست‌گذاری در این حوزه، نگرش‌های متفاوتی در قلمرو، تمرکز، سطوح، ابزارها، بازیگران، مخاطبان و نتایج سیاست‌های پیشنهادی برای توسعه کارآفرینی ایجاد کرده است. در این شرایط، توجه و دقت نظر نسبت به عملکرد عرصه دانشی و پژوهشی کشور در موضوع سیاست‌گذاری کارآفرینی و ویژگی‌های پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه، مسأله اساسی است. پژوهش حاضر با تمرکز بر این موضوع، به دنبال پاسخ به پرسش‌هایی بوده است که پیرامون پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی در کشورمان شکل گرفته است. این پرسش‌ها عبارت است از:

- روند حاکم بر پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی در کشورمان چه بوده است؟
  - موضوعات و محتوای مورد توجه پژوهشگران سیاست‌گذاری کارآفرینی چه بوده است؟
  - روش‌شناسی، راهبردها و ابزارهای پژوهشی در این پژوهش‌ها چه بوده است؟
  - چه دانشی در این حوزه تولید شده و پیشنهاد‌های بهبود کم و کیف آن چیست؟
- برای پاسخگویی به سوالات، پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌گذاری کارآفرینی در کشورمان مبنا قرار داده شد و با استفاده از روش فراتحلیل و مرور سیستماتیک متون پژوهشی؛ روندها، محتوا، روش‌شناسی و دانش موجود بررسی و ارزیابی شده و در انتها، توصیه‌های سیاستی ارائه شدند.

<sup>۱</sup> - Stevenson & Lundstrum

<sup>۲</sup> - Global Entrepreneurship Monitor (G.E.M)

<sup>۳</sup> - Audretsch & Thurik

## مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

### سیاست‌گذاری در بخش عمومی و سیاست کارآفرینی

سیاست، تصمیمات اتخاذ شده از طرف دولت‌ها است که هدفی را تعریف کرده و ابزاری را برای دستیابی به آن مشخص می‌کنند (هاولت و رامش، ۱۳۸۰). سیاست‌گذاری نیز مجموعه اقدام‌های پایدار و هدفمندی است که از سوی یک فرد یا مجموعه‌ای از نقش‌آفرینان برای پرداختن به یک مساله یا دغدغه عمومی دنبال می‌شود (اندرسون، ۲۰۰۴: ۴). سیاست‌گذاری عمومی (نظیر سیاست کارآفرینی) شامل شناسایی و ایجاد مجموعه‌ای از گزینه‌های سیاستی برای مقابله با یک مشکل و محدودکردن مجموعه‌ای از راه‌حل‌ها برای اتخاذ تصمیم نهایی است (بار و میتز، ۲۰۱۸: ۷۲). مساله اصلی سیاست‌گذاری عمومی این است که چرا سیاست‌ها پدید می‌آیند و چگونه بازیگران سیاسی بر آنها موثرند (جان، ۲۰۱۸: ۵).

در حوزه علمی کارآفرینی نیز علی‌رغم کوتاه بودن عمر تحقیقات سیاست‌گذاری، تعاریف مختلفی از سیاست کارآفرینی ارائه شده است. از آنجایی که کارآفرینی یک مساله عمومی است، برای توسعه آن نیاز به سیاست‌های مرتبط می‌باشد (روچا و بیرکینشاو، ۲۰۰۷). در واقع سیاست کارآفرینی با هنجارهای اجتماعی، ترجیحات کارآفرینی، ترتیبات نهادی و تغییر گفتمان عمومی سروکار دارد (هنری و همکاران، ۲۰۱۷: ۶). سیاست کارآفرینی در پژوهش‌های کارآفرینی و در سطح بین‌المللی به حوزه مورد علاقه افراد تبدیل شده است و فعالیت‌های قابل توجهی در اتحادیه اروپا و هریک از دولت‌های عضو آن در این زمینه صورت گرفته است (لندستروم و استیونسون، ۲۰۰۵). سیاست‌های کارآفرینی به‌طور مستقیم بر کارآفرینان و سرمایه‌گذاری‌های جدید تاثیر می‌گذارند (فوس و همکاران، ۲۰۱۸: ۴).

سیاست‌گذاری کارآفرینی یک حوزه در حال ظهور از جریان سیاست‌گذاری اقتصادی است که نیازمند توجه بیشتر بوده و به‌خوبی توسعه نیافته است. هرچند توجه به نقش کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی از طریق سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی<sup>۱</sup> و سازمان‌های تحقیقاتی

<sup>۱</sup>- Policy

<sup>۲</sup>- Anderson

<sup>۳</sup>- Barr and Mintz

<sup>۴</sup>- John

<sup>۵</sup>- Rocha & Birkinshaw

<sup>۶</sup>- Henry

<sup>۷</sup>- Foss

<sup>۸</sup>- Organization for Economic Cooperation and Development (O.E.C.D)



نظیر دیده بان جهانی کارآفرینی در انتهای دهه ۱۹۹۰ شروع شد اما همچنان دانش محدودی در زمینه سیاست گذاری کارآفرینی به عنوان یک حوزه مستقل وجود دارد (شانکار و نیاندا،<sup>۱</sup> ۲۰۱۷: ۱۸۶).

مبنای نظری سیاست های کارآفرینی مبتنی بر نظریه شکست بازار و عدم تقارن اطلاعات است (ناوارو،<sup>۲</sup> ۲۰۱۸: ۳۰۲). بر این اساس، سیاست گذاران کارآفرینی فرصت های جدیدی را ایجاد کرده و دیگران را برای پشتیبانی از نوآوری های پیشنهاد شده خود بسیج می کنند (مینتروم و لویجنس،<sup>۳</sup> ۲۰۱۷: ۴). در واقع سیاست گذاری توسعه کارآفرینی برای تشویق و تهییج فعالیت های اجتماعی و اقتصادی بهره ور در بین افرادی است که به طور مستقل در کسب و کاری فعالیت می کنند (هنریکسون و استکولوا،<sup>۴</sup> ۲۰۱۰).

سیاست گذاری کارآفرینی، ابزاری برای ترغیب به کارآفرینی است و هدف نخستین آن، برانگیختن افراد بیشتری به کارآفرینی است، که این فرایند با حرکت از کسب و کارهای نوپا به سوی راه اندازی اولیه کسب و کارها رخ می دهد (لندستروم و استیونسون،<sup>۵</sup> ۲۰۰۱). سازمان توسعه و تجارت ملل متحد (آنکتاد)<sup>۵</sup> سیاست گذاری کارآفرینی را رها سازی ظرفیت ها و تسهیل راه اندازی کسب و کارها می داند (لندستروم و استیونسون،<sup>۶</sup> ۲۰۰۵). سیاست گذاری کارآفرینی، هدایت کش های مولد اقتصادی و اجتماعی برای افراد است (رایبی و رملوگان،<sup>۶</sup> ۲۰۱۳).

سیاست گذاران کارآفرینی بازیگران پرنرزی هستند که با دیگران در مباحث سیاست گذاری کار می کنند تا به تغییرات شایسته ای دست یابند و فرصت های جدیدی را ایجاد کرده و دیگران را برای پشتیبانی از نوآوری های پیشنهادی خود بسیج می کنند (مینتروم و لویجنس،<sup>۷</sup> ۲۰۱۷، ص. ۴). در این شرایط، توجه دولت ها نیز از تسهیل شرایط برای ایجاد بنگاه های جدید، به سوی حمایت از کسب و کارهای کارآفرینانه و با رشد بالا معطوف شده است (اکس و همکاران،<sup>۷</sup> ۲۰۱۶: ۵۷). شواهد تجربی تایید می کنند که نظام اقتصادی بستر ساز و پرورش دهنده شرکت های کارآفرینانه با رشد بالا، برتر از نظام اقتصادی است که برای افزودن بر تعداد کسب و کارهای کوچک یا نرخ خوداشتغالی تلاش می کند (شین،<sup>۸</sup> ۲۰۰۸).

جمع بندی موضوع سیاست گذاری کارآفرینی آشکار کننده این نکته است که علی رغم تنوع تعاریف، اغلب آنها حوزه عمل سیاست ها را در بستر کارآفرینی می دانند. سیاست عمومی، استفاده دولت از قدرت

<sup>۱</sup> - Shankar & Nithyananda

<sup>۲</sup> - Navarro

<sup>۳</sup> - Mintrom & Luetjens

<sup>۴</sup> - Henrekson & Stenkula

<sup>۵</sup> - United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)

<sup>۶</sup> - Rigby & Ramlogan

<sup>۷</sup> - Mintrom & Luetjens

<sup>۸</sup> - Shane

برای اثرگذاری بر عملکرد اجتماعی، نظیر تغییر در تعداد کسب و کارهای کارآفرینانه است (لندستروم و استیونسون، ۲۰۰۱). در سیاست کارآفرینی، دولت‌ها با تدوین سیاست‌هایی برای گسترش روحیه و رفتار کارآفرینانه نقش موثری در توسعه کارآفرینی ایفا می‌کنند (لندستروم و همکاران، ۲۰۱۷: ۹۴۲).

### پیشینه‌شناسی تحقیق

کارآفرینی ابتدا مورد توجه روان‌شناختان قرار گرفت. روان‌شناختان در اواسط قرن بیستم به تجزیه و تحلیل فرد و کشف آن دسته از ویژگی‌های فردی و متغیرهای شخصیتی که کارآفرین را از غیر کارآفرین متمایز می‌ساخت، توجه خود را معطوف داشتند. آنها ویژگی‌هایی همچون تحمل ابهام، توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، داشتن انگیزه، تعهد و ... را به کارآفرینان نسبت دادند. با روی آوردن جامعه‌شناسان و اندیشمندان علوم مدیریت به مطالعه کارآفرینی، نظریه‌های اجتماعی-فرهنگی (تاثیر محیط و فرهنگ بر فرد در اقدام به کارآفرینی) شکل گرفت و مدل‌های متعددی در خصوص چگونگی تأسیس شرکت‌ها ارائه گردید که عوامل محیطی و فردی تاثیرگذار بر فرآیند کارآفرینی را در بر می‌گرفت.

با انتشار تحقیقات دیوید برچ (۱۹۷۹) در خصوص سهم اشتغال‌زایی و روند سودآوری شرکت‌های کوچک در اقتصاد امریکا و عدم کارایی شرکت‌های بزرگ، مزایای کارآفرینی بیش از پیش آشکار شد و دولت‌ها نیز سیاست‌های متعددی را برای توسعه کارآفرینی در دستور کار خود قرار دادند. پس از آن، رابطه میان کارآفرینی و شرکت‌های کوچک به میزان زیادی مورد مطالعه پژوهشگران سیاست‌گذاری قرار گرفت و دهه ۸۰ میلادی به‌عنوان دهه کارآفرینی نام‌گذاری شد (احمدپور داریانی و علائی، ۱۳۸۶: ۲۰).

با آغاز دهه ۱۹۹۰، دولت‌ها با اتکا به مدیریت دولتی خود، سیاست‌ها را به سمت تسهیل فعالیت‌های کارآفرینی تغییر دادند. دولت‌ها با تمرکز روز افزون بر کارآفرینی، آنرا به عنوان سازوکار حل دامنه‌ای از مسایل فراروی خود در نظر گرفته و وارد دستگاه خط‌مشی‌گذاری کردند (دانایی فرد، ۱۳۸۸: ۱۲۶).

به‌عنوان نمونه، در سال ۱۹۹۸ دولت انگلیس موفقیت آینده اقتصاد کشورش را در گرو تقویت کارآفرینان اعلام کرد. کشورهای دیگر نیز کارآفرینی را به‌عنوان یک استراتژی توسعه ملی پذیرفتند و برنامه‌های متعددی برای حمایت از کارآفرینی تدارک دیدند. بدین ترتیب پیدایش پارادایم نوین کارآفرینی، سبب ایجاد الگوی مدیریت دولتی نوین در سطوح سازمان و جامعه مانند دولت کارآفرین شد. این دولت‌ها، نه تنها کارآفرینان دولتی‌اند بلکه به‌دنبال این هستند که بدانند چه سیاست‌ها و اقداماتی در تشویق فعالیت‌های کارآفرینانه نقش موثرتری ایفا می‌کنند (احمدپور داریانی و علائی، ۱۳۸۶: ۲۲).

علاقه زیاد سیاست‌گذاران به مقوله کارآفرینی ناشی از این فرض است که کارآفرینان، مزایای اقتصادی زیادی با ارائه محصولات جدید، قیمت‌های پایتتر، نوآوری‌ها و بهره‌وری بالاتر حاصل می‌نمایند (هولز و همکاران، ۲۰۰۴). تحقیقاتی که از آن زمان تاکنون در کشورهای مختلف انجام شد نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های فردی که افراد کارآفرین بایستی از آنها برخوردار باشند، عوامل محیطی و زمینه‌ای نیز بر توسعه کارآفرینی در جامعه موثرند. این موضوع در قالب مدل‌های سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی در پژوهش‌های گوناگون ارائه شده است.

به‌عنوان نمونه پیچ و همکاران (۲۰۱۷) سیاست‌های توسعه کارآفرینی را با رویکرد آمیخته اکتشافی و مطالعه موردی، با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و تحلیل‌های آماری، بررسی کرده و در نهایت به اهمیت نقش دولت و نهادهای بخش عمومی برای توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط دست یافتند. یافته‌ها نشان می‌دهد عوامل بخش عمومی بر توسعه فرصت‌های کارآفرینی موثرند.

آدیا و همکاران (۲۰۱۶) به روش پژوهش کیفی و با استفاده از مصاحبه، اطلاعات مربوط به کارآفرینان را گردآوری و تحلیل کردند. نتایج تایید می‌کنند که بدون آموختن مهارت‌های اصلی (از قبیل مهارت‌های مدیریتی، ارتباطی، مالی و ...) نمی‌توان به توسعه کسب‌وکار دست یافت.

در خصوص اهمیت نهاد‌های بخش عمومی، وانگ و همکاران (۲۰۱۳) عوامل موثر بر اجرای سیاست‌های کارآفرینی را با هدف طراحی چارچوبی برای اجرای سیاست‌های کارآفرینی با روش مطالعه موردی انجام دادند. نتایج حاکی از آن است که محیط کلان اقتصادی - اجتماعی، عوامل نهادی، روابط و هماهنگی‌های درون سازمانی و گروه‌های ذی‌نفع در اجرای سیاست‌های کارآفرینی تاثیر گذارند.

پژوهش آدرچ و همکاران (۲۰۰۷) با هدف تدوین چارچوبی برای سیاست‌گذاری کارآفرینی، به روش اکتشافی - تحلیلی انجام گرفت. یافته‌های این پژوهش بر افزایش توانمندی‌ها و آموزش کارآفرینان، توسعه فناوری، دسترسی به منابع، خط‌مشی رقابت، حقوق مالکیت معنوی و محیط قانون‌گذاری، تشکیلات نهادی و بهبود محیط کسب‌وکار تاکید دارد.

همچنین در داخل کشور نیز در خصوص سیاست‌گذاری توسعه کارآفرینی پژوهش‌های متعددی انجام شده است. به‌عنوان نمونه فهم و پرهیزکار (۱۳۹۷) جایگاه توسعه کارآفرینی در سیاست‌ها و برنامه‌های ملی کشور را با استفاده از روش تحلیل محتوا بررسی کردند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که بیشترین بازتاب مقوله‌های کارآفرینی در اسناد مرتبط با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بوده است.

کشاورز (۱۳۹۷) با بازمینی ساختاریافته پژوهش‌های برگزیده، سازه‌های گوناگونی را در پیشبرد اهداف توسعه کارآفرینی روستایی ایران شناسایی کرد. توانایی‌های کارآفرینانه، فرهنگ کارآفرینی، اصلاح یا تدوین قوانین حمایتی و دسترسی به سرمایه مهمترین این سازه‌ها می‌باشند.

مقیم و همکاران (۱۳۹۰) نیز با ارزیابی پیش‌برندگی سیاست‌های کلان و خرد توسعه کارآفرینی کشور نشان دادند که در مجموع، سیاست‌های خرد و کلان موثر بر توسعه کارآفرینی، در موقعیت پیش‌برنده نبوده، نیازمند بهبود هستند.

### روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق از روش فراتحلیل استفاده شده است. هدف فراتحلیل، ایجاد پیوستگی و انسجام بین نتایج پژوهش‌های مختلف در یک زمینه خاص است. در این روش با ترکیب پژوهش‌های پیشین و یکدست‌سازی آنها با استفاده از روش‌های آماری، نتایج پراکنده و ناهماهنگ این پژوهش‌ها دقیقتر و منطقی‌تر می‌گردد (سکستون، ۲۰۰۶؛ به نقل از نادری، ۱۳۹۶: ۲۷۹).

در روش فراتحلیل همانند روش‌های هرمنوتیک، پدیدار شناختی و ... توجه به نگاه تفسیری - تحلیلی و مفاهیم، حائز اهمیت است. عموماً فراتحلیل را به‌عنوان روشی کمی می‌شناسند اما رویکرد کیفی به فراتحلیل و نمایان‌سازی مولفه‌ها و مفاهیم محتوایی مسئله مورد پژوهش، قابلیت قرارگرفتن این روش در زمره روش‌های کیفی را دارد (صادقی فسایی و خادمی، ۱۳۹۵: ۱۷۸). بنابراین پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های کیفی است که هدف آن، ترکیب نتایج مطالعات انجام شده و به دست آوردن نتایج جدید است. همچنانکه به‌نظر شرایبر<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) هدف اصلی فراتحلیل، تفسیر داده‌ها برای توسعه مفاهیم و شناسایی تم‌های مهم تحقیقات پیشین است.

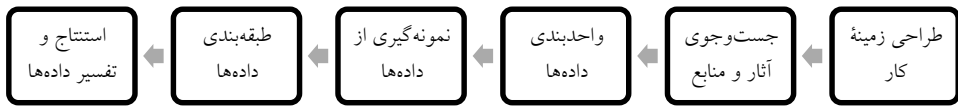
در این پژوهش از فرآیند فراتحلیل که توسط کریپندورف<sup>۳</sup> تدوین شده، استفاده شده است. در این فرآیند، در گام اول، زمینه کار (تعیین محیط پژوهش و متدولوژی) طراحی شده، سپس در گام دوم، آثار و منابع جست‌وجو می‌شوند. در گام سوم محقق به واحدبندی داده‌ها (مضامین، پیام‌های مهم، واژگان و ...) می‌پردازد و در گام چهارم، نمونه‌گیری از داده‌ها (نکات مهم متن) انجام شده و داده‌های لازم برای گام پنجم به‌منظور تقلیل داده‌ها و تنزک آنها به چند گونه/ طبقه استخراج می‌شوند. در گام پایانی نیز استنتاج و تفسیر داده‌ها صورت می‌گیرد.

<sup>۱</sup>- Saxton

<sup>۲</sup>- Schreiber

<sup>۳</sup>- Krippendorff





شکل ۱. فرآیند پیش‌بینی شده برای انجام تحقیق با روش فراتحلیل (کرپیندروف، ۲۰۰۳)

برای اجرای فرآیند مذکور، ابتدا زمینه کار با بررسی ادبیات موضوع در حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی از طریق مطالعه اسنادی آغاز شد و با تکیه بر مفاهیم نظری مرتبط، آثار و منابع مرتبط جست‌وجو و بررسی شدند. برای فراتحلیل مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران، تمامی پژوهش‌های منتشر شده در قالب مقالات گردآوری شدند.

نمونه‌گیری به صورت تمام‌شماری انجام شده و در مجموع ۳۶ مقاله که ارتباط مستقیمی با موضوع داشتند، شناسایی، کدگذاری و تحلیل شدند. در این پژوهش محقق از رویکرد فراتحلیل استقرایی (حرکت از جزء به کل) برای سامان‌دهی داده‌ها استفاده کرده است. برای تقلیل داده‌ها و طبقه‌بندی آنها، چارچوب تحلیلی در سه محور کلی (یافته‌های توصیفی، یافته‌های مرتبط با روش‌شناسی پژوهش‌ها و یافته‌های سیاست‌پژوهی) و در مجموع در قالب ۲۳ مقوله تحلیلی، طراحی شد. در نهایت، داده‌های پژوهش در فرآیندی اکتشافی، تحلیل و تفسیر شده و نتایج ارائه شدند.

اعتبارسنجی (روایی و پایایی) این پژوهش از حیث روش تحقیق و نتایج حاصل شده به روش‌های متعددی بررسی شد. نخست آنکه در انتخاب آثار، طیف وسیعی از یافته‌های مطالعات قبلی در کانون توجه قرار گرفت نه طیف محدودی از آنها. بدین نحو که در مقالات، ترکیبی از نظرها و دیدگاه‌های مختلف، ملاحظه و وارد آثار منتخب شد و فهرست آثار انتخاب شده از نظر علمی بودن، بررسی و آثار غیرمهم یا ژورنالیستی و ضعیف حذف شدند. همچنین از آنجاکه در این پژوهش اجزاء و عناصر پیشنهادی در تحقیقات پیشین تحلیل و تفسیر شده است، بنابراین استفاده از نتایج تحقیقات پیشین که روایی آنها قبلاً تایید شده است، خود به روایی بیشتر منجر می‌گردد.

برای تامین پایایی یافته‌های تحقیق، وجود یک طرح اجرایی<sup>۱</sup> و روش نظام‌مند برای تحقیقات کیفی، تا حد زیادی مشکلات ناشی از عدم پایایی یافته‌ها را کاهش می‌دهد. طرح اجرایی، تدبیر یا شیوه اجرایی برای بالابردن درجه پایایی است و هدف آن، هدایت و راهنمایی پژوهشگر در طول تحقیق است (Yin, 2003). از آنجا که فرآیند پیش‌بینی شده برای انجام این پژوهش، گام‌های مشخص و از پیش تعیین شده‌ای داشته است، به صورتی کاملاً نظام‌مند و ساختاریافته اجرا شده و

در تمامی مراحل از روشی مکتوب و منسجم استفاده شده است. بنابراین پایایی لازم برای نتایج محقق گشته است. همچنین خود بازمی‌پژوهشگر در فرآیند گردآوری و تحلیل داده‌ها، از دیگر روش‌ها برای افزایش قابلیت پایایی پژوهش است (Andreas, 2003). در گام‌های مختلف تحقیق این موضوع رعایت شده است.

### یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

یافته‌های این پژوهش جهت ارزیابی فراتحلیل مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران در قالب سه بخش به تفکیک ارائه شده است. همچنین در هر یک از بخش‌ها؛ نحوه تحلیل، ارزیابی و دسته‌بندی مطالب به تفصیل تشریح شده است.

#### الف: یافته‌های توصیفی (سیمای کلی پژوهش‌های پیشین)

بخش اول، به ارائه یافته‌های توصیفی اختصاص دارد. در این بخش، محتوای عمومی و اطلاعات کلی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر سال انجام پژوهش، محورهای موضوعی و ... بررسی شدند که نتایج آن به شرح جداول ۱ و ۲ و شکل ۲ است.

جدول ۱. توزیع وضعیت آثار برحسب سال انجام پژوهش، جنسیت و تعداد پژوهش‌گران

سال پژوهش	فراوانی	درصد	جنسیت	فراوانی	درصد	تعداد محقق	فراوانی	درصد
۱۳۸۵-۱۳۸۹	۶	۱۷٪	زن	۰	۰٪	فردی	۶	۱۷٪
۱۳۹۰-۱۳۹۴	۹	۲۵٪	مرد	۲۲	۶۱٪	دو نفر	۸	۲۳٪
						سه نفر	۱۱	۳۰٪
۱۳۹۵-۱۳۹۸	۲۱	۵۲٪	ترکیبی	۱۴	۳۹٪	چهار نفر و بیشتر	۱۱	۳۰٪
جمع کل	۳۶	۱۰۰٪	جمع کل	۳۶	۱۰۰٪	جمع کل	۳۶	۱۰۰٪

آنگونه که از جدول ۱ مشخص است، تا پیش از سال ۱۳۸۵ مقاله‌ای در حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی چاپ و منتشر نشده است و بیشتر پژوهش‌های این حوزه در سال‌های اخیر انجام شده است. این روند رو به رشد، نشان از درک اهمیت موضوع در سال‌های اخیر دارد. ضمن آنکه تاکنون، سیاست‌های متعددی از سوی نهادهای مختلف برای کارآفرینی در کشور، تنظیم و ابلاغ شده و نیاز به پژوهش‌هایی برای ارزیابی و تحلیل این سیاست‌ها بیش از قبل احساس می‌شود. از نظر جنسیت پژوهش‌گران، جدول ۱ گویای حضور کمتر زنان در این عرصه پژوهشی است. همچنین در انجام این پژوهش‌ها، تحقیقات گروهی بیشتر به چشم می‌خورد و تنها ۱۷ درصد از

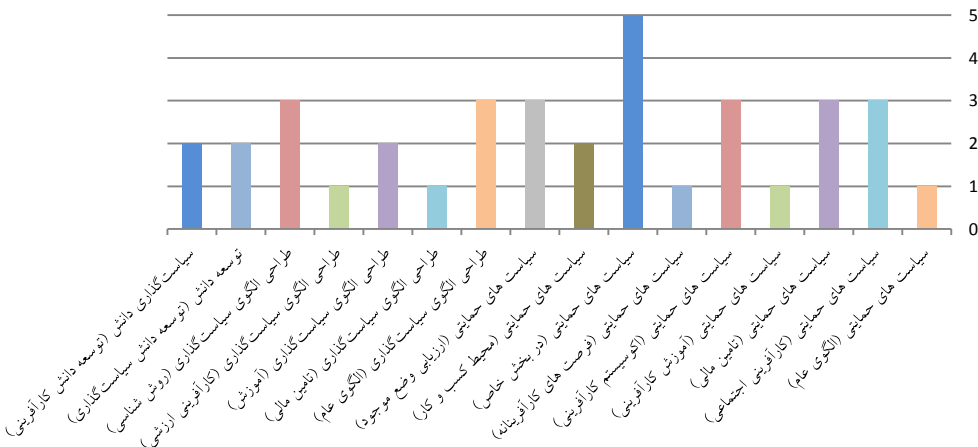
تحقیقات به صورت فردی انجام شده است که منطبق با ماهیت مشارکتی پژوهش و تحقیق در حوزه سیاست گذاری است.

موضوع بعدی، حوزه تخصصی پژوهش گران و محققین حوزه سیاست گذاری کارآفرینی است. از منظر نویسندگان آثار، پژوهش گران رشته مدیریت (عمدتاً مدیریت دولتی) با ۴۲ درصد در رتبه اول، پس از آن محققین کارآفرینی (۳۱ درصد) و اقتصاد (۱۰ درصد) و سپس، سایر رشته ها قرار دارند. نکته قابل توجه در این بخش از پژوهش، تنوع رشته های پژوهشی در حوزه سیاست گذاری کارآفرینی است که تاییدی بر میان رشته ای بودن این حوزه پژوهشی و توجه رشته هایی نظیر مهندسی سیستم های اقتصادی و اجتماعی به این مقوله است (جدول ۲).

جدول ۲. توزیع وضعیت نویسندگان آثار برحسب رشته تحصیلی پژوهشگران

رشته تحصیلی	کارآفرینی	مدیریت	اقتصاد	جغرافیا	کشاورزی	جامعه شناسی	مهندسی سیستم	جمع کل
فراوانی	۳۱	۴۲	۱۰	۶	۵	۴	۲	۱۰۰
درصد	۳۱٪	۴۲٪	۱۰٪	۶٪	۵٪	۴٪	۲٪	۱۰۰٪

از نظر موضوعات محوری و مبانی نظری، پژوهش ها به ۱۶ گروه قابل تفکیک است. تعداد پژوهش های مرتبط با هر محور به شرح شکل ۲ است. بیشترین فراوانی مربوط به پژوهش های مرتبط با سیاست های حمایتی از کارآفرینی در بخش هایی همچون نوآوری، گردشگری، کارآفرینی دانش بنیان، تعاونی و ... بوده است. سایر محورهای نظری در شکل مشخص است.



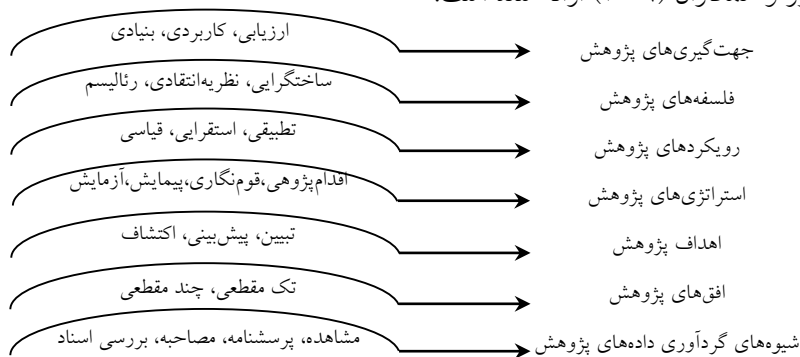
شکل ۲. توزیع پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر موضوعات محوری و مبانی نظری

در یک نگاه کلی به شکل فوق، می‌توان تمامی ۱۶ محور شناسایی شده در پژوهش‌های مرتبط با سیاست‌گذاری کارآفرینی را در سه بُعد طبقه‌بندی کرد.

بُعد اول به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که هدف از انجام آنها، طراحی سیاست‌های حمایتی کارآفرینی در بخش‌های مختلف (از قبیل توسعه فرصت‌های کارآفرینانه، اکوسیستم کارآفرینی، کارآفرینی اجتماعی، بهبود محیط و ...) و ارائه توصیه‌های سیاستی است. بُعد دوم به پژوهش‌هایی اختصاص دارد که هدف از انجام آنها، طراحی الگوی سیاست‌گذاری کارآفرینی در بخش‌های مختلف (نظیر الگوی عمومی سیاست کارآفرینی، آموزش، تامین مالی و ...) است. نهایتاً بُعد سوم به توسعه دانش سیاست‌گذاری کارآفرینی اختصاص دارد.

### ب: یافته‌های مرتبط با روش‌شناسی پژوهش‌ها

در بخش دوم، پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی با توجه به روش‌شناسی انجام پژوهش تحلیل می‌شوند. از آنجا که پژوهش‌ها از نظر ماهیت موضوع، سوالات و اهداف، عوامل و متغیرهای موثر بر پدیده و ... با یکدیگر متفاوتند، بدیهی است که پارادایم، استراتژی و روش تحقیق متناسب و خاص خود را داشته باشند. فراتحلیل انجام گرفته در این بخش، مبتنی بر چارچوب تحلیل روش‌شناسی تحقیقات است که اصطلاحاً به پیاز پژوهش معروف بوده و توسط ساندرز<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۹) ارائه شده است.



شکل ۳. پیاز فرآیند پژوهش (اقتباس از دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۰)

<sup>۱</sup> برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به (<https://onion.derby.ac.uk/>) و کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تالیف دکتر سیدمهدی الوانی، دکتر عادل آذر و دکتر حسن دانایی فرد، تهران: انتشارات صفار.

<sup>۲</sup> Saunders

با توجه به چارچوب تحلیل ارائه شده در شکل ۳، سطح اول تحلیل روش شناسی به ارزیابی جهت گیری پژوهش ها اختصاص دارد که شامل تحقیقات کاربردی، بنیادی، توسعه ای و ارزیابی (ارز شیایی) می باشد. نتایج نشان می دهد نیمی از مطالعات انجام شده در حوزه سیاست گذاری کارآفرینی از نوع پژوهش های کاربردی می باشند. پس از آن پژوهش های بنیادی و توسعه ای هر کدام با ۲۲ درصد و در انتها پژوهش های ارزشیابی با ۶ درصد قرار دارند.

جدول ۳. توزیع وضعیت آثار برحسب جهت گیری پژوهش

جهت گیری پژوهش	بنیادی	کاربردی	توسعه ای	ارزشیابی	جمع کل
فراوانی	۸	۱۸	۸	۲	۳۶
درصد	۲۲٪	۵۰٪	۲۲٪	۶٪	۱۰۰٪

سطح دوم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی فلسفه پژوهش ها اختصاص دارد. با توجه به جدول ۴، پژوهش هایی که تحت فلسفه اثبات گرایی انجام شده اند، بیشترین تعداد تحقیقات را به خود اختصاص داده و در رتبه بعد، پژوهش های تفسیری و ساختگرایی قرار دارند. پژوهش های فرا اثبات گرایی و انتقادی نیز در رتبه های بعدی می باشند.

جدول ۴. توزیع وضعیت آثار برحسب فلسفه پژوهش

فلسفه پژوهش	اثبات گرایی	ساختگرایی-تفسیری	انتقادی	فرا اثبات گرایی	جمع کل
فراوانی	۱۳	۱۲	۵	۶	۳۶
درصد	۳۶٪	۳۳٪	۱۴٪	۱۷٪	۱۰۰٪

سطح سوم چارچوب تحلیل روش شناسی به ارزیابی رویکردهای پژوهشی مرتبط است. با توجه به جدول ۵، بیشترین رویکرد استفاده شده در پژوهش ها به رویکرد استقرایی اختصاص دارد و پس از آن، رویکردهای قیاسی، تطبیقی و استقرایی - قیاسی قرار دارند.

جدول ۵. توزیع وضعیت آثار برحسب رویکردهای پژوهش

رویکردهای پژوهش	استقرایی	قیاسی	تطبیقی	استقرایی-قیاسی	جمع کل
فراوانی	۱۸	۹	۵	۴	۳۶
درصد	۵۰٪	۲۵٪	۱۴٪	۱۱٪	۱۰۰٪

سطح چهارم چارچوب تحلیل روش شناسی، ارزیابی روش پژوهش است که شامل تحقیقات کمی، کیفی و آمیخته است (جدول ۶). نتایج نشان می‌دهد بیشتر پژوهش‌ها از نوع کمی، پس از آن، پژوهش‌های کیفی و در نهایت پژوهش‌هایی قرار دارند که با روش آمیخته انجام شده‌اند.

جدول ۶. توزیع وضعیت آثار برحسب روش پژوهش

روش پژوهش	کمی و توصیفی	کیفی و تحلیلی	آمیخته و ترکیبی	جمع کل
فراوانی	۱۸	۱۲	۶	۳۶
درصد	۵۰٪	۳۳٪	۱۷٪	۱۰۰٪

سطح پنجم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات، تحلیل استراتژی پژوهش است که شامل مطالعه‌موردی، اقدام‌پژوهی، قوم‌نگاری، تاریخی، داده‌بنیاد، تجربی و آزمایشی، همبستگی و پیمایش می‌شود (جدول ۷). یافته‌ها نشان می‌دهد که در پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی بیشتر از روش پیمایش استفاده شده و پس از آن، روش‌های داده‌بنیاد، همبستگی و مطالعه‌موردی.

جدول ۷. توزیع وضعیت آثار برحسب استراتژی پژوهش

استراتژی پژوهش	پیمایش	داده‌بنیاد	همبستگی	مطالعه‌موردی	سایر موارد	جمع کل
فراوانی	۱۴	۸	۶	۵	۳	۳۶
درصد	۳۹٪	۲۲٪	۱۷٪	۱۴٪	۸٪	۱۰۰٪

سطح ششم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات، اهداف پژوهش را بررسی می‌کند. همانطور که در جدول ۸ مشخص است، بیشتر پژوهش‌ها با هدف توصیف شرایط انجام شده و سپس اهداف تبیین و پیش‌بینی، اکتشاف و توصیفی-اکتشافی قرار دارند.

جدول ۸. توزیع وضعیت آثار برحسب اهداف پژوهش

اهداف پژوهش	تبیین و پیش‌بینی	توصیف	اکتشاف	توصیفی-اکتشافی	جمع کل
فراوانی	۸	۱۹	۵	۴	۳۶
درصد	۲۲٪	۵۳٪	۱۴٪	۱۱٪	۱۰۰٪

سطح هفتم چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی افق پژوهش اختصاص دارد. در مجموع پژوهش‌ها در افق‌های پژوهشی تک مقطعی و یا چند مقطعی انجام می‌شوند (جدول ۹). یافته‌ها نشان می‌دهد که پژوهش‌های حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی عموماً در افق تک مقطعی انجام شده و تنها ۶ درصد از تحقیقات در افق پژوهشی چند مقطعی و در طول زمان انجام شده‌اند.

جدول ۹. توزیع وضعیت آثار برحسب افق پژوهش

افق پژوهش	تک مقطعی	چند مقطعی	جمع کل
فراوانی	۳۴	۲	۳۶
درصد	۹۴٪	۶٪	۱۰۰٪

آخرین سطح از چارچوب تحلیل روش شناسی تحقیقات به ارزیابی شیوه های گردآوری داده های پژوهشی اختصاص دارد که نتایج آن به شرح جدول ۱۰ است.

جدول ۱۰. توزیع وضعیت آثار برحسب شیوه های گردآوری داده های پژوهش

شیوه گردآوری داده ها	بررسی اسناد و مدارک	پرسشنامه	مصاحبه	ترکیب روش ها	جمع کل
فراوانی	۱۸	۱۰	۲	۶	۳۶
درصد	۵۰٪	۲۸٪	۶٪	۱۶٪	۱۰۰٪

### ج: یافته های سیاست پژوهی

بخش سوم به ارائه یافته های سیاست پژوهی در تحقیقات حوزه سیاست گذاری کارآفرینی اختصاص دارد. فراتحلیل انجام شده در این بخش مبتنی بر چارچوب کلی تحلیل سیاست ها است که توسط ذاکر صالحی و قانع راد ارائه شده است. این چارچوب شامل بررسی موضوعات هفت گانه ای است که عبارتند از رویکردهای توصیه سیاستی، محتوای سیاستی، پشتوانه سیاستی، زمینه سیاست ها و راهکارها، نوع تغییر سیاستی، افق زمانی و سطوح سیاستی.

موضوع اول به بررسی پژوهش های سیاست گذاری کارآفرینی از نظر رویکردهای توصیه سیاستی اختصاص دارد. این رویکردهای را می توان برحسب سه دسته کلی بررسی کرد. در ادامه، هریک از روش های دسته بندی به همراه جزئیات، مولفه ها و مبنای تئوریک آن تشریح و نتایج تحلیل داده ها در هریک از رویکردها ارائه می شود.

رویکرد اول، به ارائه توصیه های سیاستی در قالب عوامل نهادی رسمی و غیررسمی اشاره دارد. این رویکرد، مبتنی بر پژوهش آلوارز و همکاران (۲۰۱۱) است که راهکارهای سیاستی را به عوامل نهادی رسمی (نظیر عوامل مالی، خط مشی های دولت، زیر ساخت های تجاری، خدماتی و فیزیکی، حقوق مالکیت معنوی و ...) و غیررسمی (نظیر آموزش، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی، فرصت ها

۱ - برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به ([http://www.jss-isa.ir/article\\_21171.html](http://www.jss-isa.ir/article_21171.html)).

و توانایی‌های راه‌اندازی کسب و کار، تصویر اجتماعی کارآفرین، گرایش به نوآوری و ...) تفکیک کرده است.<sup>۱</sup> با توجه به این رویکرد، ۱۴ درصد پژوهش‌ها در عوامل نهادی رسمی، ۳۰ درصد در عوامل نهادی غیررسمی، ۲۲ درصد در ترکیب عوامل نهادی رسمی و غیررسمی توصیه‌هایی داشته‌اند. ۳۴ درصد از پژوهش‌ها نیز توصیه‌های سیاستی در قالب عوامل نهادی ارائه نکرده‌اند.

رویکرد دوم، به ارائه توصیه‌های سیاستی اثرگذار بر ایجاد فرصت‌ها، انگیزه‌ها و مهارت‌ها (توانایی‌ها) توجه دارد. این رویکرد، مبتنی بر پژوهش لند ستروم و استیونسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) است که توصیه‌های سیاستی برای کارآفرینی در کشورها را به عوامل انگیزشی (نظیر هوشیاری کارآفرینانه، توزیع اطلاعات، الگوی نقش)، فرصت (نظیر سهولت ورود و خروج، کاهش موانع راه‌اندازی و رشد، رقابت، قوانین ورشکستگی، انعطاف‌پذیری بازار کار) و مهارت (آموزش کارآفرینی، یادگیری استفاده از دانش، تخصص در کسب‌وکارهای مخاطره‌آمیز، شبکه‌های همتایان) تفکیک کرده است.<sup>۳</sup> با توجه به این رویکرد، ۱۷ درصد از راه‌کارها به توسعه فرصت‌ها، ۸ درصد به توسعه مهارت‌ها و ۳ درصد به توسعه انگیزه‌ها توجه داشته‌اند. همچنین ۳۳ درصد از پژوهش‌ها، ترکیبی از راه‌کارهای توسعه فرصت، مهارت و انگیزش را در نظر گرفته و ۳۹ درصد از پژوهش‌ها نیز توصیه‌های سیاستی در قالب این عوامل ارائه نکرده‌اند.

رویکرد سوم، به ارائه توصیه‌های سیاستی در قالب تقویت سمت عرضه یا تقاضای کارآفرینی اختصاص دارد. این رویکرد مبتنی بر پژوهش ورهال<sup>۴</sup> و همکاران (۲۰۰۱) است. سمت تقاضا، فرصت‌هایی از راه تقاضای بازار برای محصولات ایجاد می‌کند و به‌واسطه عواملی مانند توسعه فناوریانه، تقاضای مصرف‌کنندگان، ساختار اقتصاد و ... تحت تاثیر قرار می‌گیرد. سمت عرضه نیز تحت تاثیر عواملی همچون ساختار جمعیتی، تراکم جمعیت، توانایی افراد و خصوصیات کارآفرینی آنها، قرار می‌گیرد.<sup>۵</sup> با توجه به این رویکرد، ۴۲ درصد از پژوهش‌ها توصیه‌هایی در رابطه با بهبود

<sup>۱</sup> - برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به

(<https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/14626001111106460/full/html>)

<sup>۲</sup> - Lundström & Stevenson

<sup>۳</sup> - برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به (<https://www.springer.com/gp/book/9780387241401>).

<sup>۴</sup> - Audrestch

<sup>۵</sup> - برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به (<https://www.tinbergen.nl/discussion-paper/659/01-030-3-an->) (eclectic-theory-of-entrepreneurship-policies-institutions-and-culture).



سمت عرضه کارآفرینی، ۶ درصد به تقاضای کارآفرینی، ۱۹ درصد به هر دو سمت عرضه و تقاضا داشته‌اند. ۳۳ درصد پژوهش‌ها توصیه‌ای در این خصوص ارائه نکردند.

موضوع دوم در بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر محتوای سیاستی (ارائه راهکار و سیاست) است. برای بررسی این موضوع، الگوی جامع سیاست‌گذاری کارآفرینی که توسط آنکناد ارائه شده، در نظر گرفته شده که شامل ۵ شاخص بهینه‌سازی محیط قانونی، بهبود دسترسی به منابع مالی، ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی، تسهیل انتقال فناوری و نوآوری، ترویج هوشیاری و شبکه‌سازی کارآفرینی است.<sup>۱</sup> ۱۱ درصد از پژوهش‌ها به موضوعات مالی، ۸ درصد به ارتقای آموزش و مهارت، ۳ درصد پژوهش‌ها به هریک از موضوعات بهینه‌سازی محیط قانونی، تسهیل انتقال فناوری و نوآوری، ترویج هوشیاری و شبکه‌سازی کارآفرینی، ۳۰ درصد به ترکیبی از موضوعات فوق و ۴۲ درصد پژوهش‌ها به هیچکدام از موضوعات اشاره‌ای نداشتند.

موضوع سوم، بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر پشتوانه سیاستی است. منظور از پشتوانه سیاستی، پشتوانه نظری و فکری یا تجربی برای ارائه راهکارها و سیاست‌ها است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۵۰ درصد از سیاست‌ها و راهکارهای بیان شده در آثار تحت بررسی از پشتوانه نظری و فکری و ۵۰ درصد نیز از پشتوانه تجربی برخوردار بوده‌اند.

موضوع چهارم، بررسی پژوهش‌ها از نظر زمینه‌ی سیاست‌ها و راهکارها است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۵۸ درصد از سیاست‌ها و راهکارها، تک‌زمینه‌ای و ۴۲ درصد چندزمینه‌ای بوده است. موضوع پنجم، بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر نوع تغییر سیاستی است و اشاره به این دارد که راهکارها و سیاست‌ها، نظر به تغییر ساختارها دارند یا رفتارها و کارکردها. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۲۸ درصد از سیاست‌ها و راهکارها به تغییرات ساختاری، ۴۲ درصد به تغییرات رفتاری-کارکردی و ۳۰ درصد سیاست‌ها و راهکارها نیز به هر دو وجه از تغییرات ساختاری و تغییرات رفتاری-کارکردی توجه دارند.

موضوع ششم، بررسی پژوهش‌های سیاست‌گذاری کارآفرینی از نظر افق زمانی تغییرات پیشنهادی است. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۱۹ درصد از توصیه‌های سیاستی در افق زمانی کوتاه‌مدت، ۴۲ درصد در افق زمانی میان‌مدت و ۳۹ درصد در افق زمانی بلندمدت قرار دارند.

۱ - برای اطلاعات بیشتر نگاه کنید به

موضوع هفتم نیز بررسی پژوهش‌ها از نظر سطوح سیاستی است که سیاست‌ها را در سه سطح ملی و فرابخشی، بخشی و فردی-سازمانی ارائه می‌کند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که ۳۰ درصد از سیاست‌ها و راه‌کارها در سطح ملی و فرابخشی، ۵۳ درصد از سیاست‌ها و راه‌کارها در سطح بخشی و ۱۷ درصد از سیاست‌ها و راه‌کارها در سطح فردی-سازمانی پیشنهاد شده است.

جدول ۱۱. تحلیل کمی یافته‌های سیاست‌پژوهی

ردیف	متغیرهای تحلیلی	مقوله‌های تحلیلی	فراوانی	درصد
	رویکرد سیاستی ۱	عوامل نهادی رسمی	۵	۱۴٪
		عوامل نهادی غیررسمی	۱۱	۳۰٪
		ترکیبی از عوامل نهادی رسمی و غیررسمی	۸	۲۲٪
		هیچکدام	۱۲	۳۴٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۱	رویکرد سیاستی ۲	توسعه فرصت‌ها	۶	۱۷٪
		توسعه انگیزه‌ها	۱	۳٪
		توسعه مهارت‌ها	۳	۸٪
		ترکیبی از انگیزه‌ها، فرصت‌ها و مهارت‌ها	۱۲	۳۳٪
		هیچکدام	۱۴	۳۹٪
جمع	۳۶	۱۰۰٪		
	رویکرد سیاستی ۳	عوامل سمت عرضه کارآفرینی	۱۵	۴۲٪
		عوامل سمت تقاضای کارآفرینی	۲	۶٪
		ترکیب عوامل سمت عرضه و تقاضای کارآفرینی	۷	۱۹٪
		هیچکدام	۱۲	۳۳٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۲	محتوای سیاستی	بهبود دسترسی به منابع مالی	۱	۳٪
		ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی	۴	۱۱٪
		ارتقای آموزش و مهارت‌های کارآفرینی	۳	۸٪
		تسهیل انتقال فناوری و نوآوری	۱	۳٪
		ترویج هوشیاری و شبکه‌سازی کارآفرینی	۱	۳٪
		ترکیب عوامل فوق	۱۱	۳۰٪
		هیچکدام	۱۵	۴۲٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۳	پشتوانه سیاستی	پشتوانه نظری و فکری	۱۸	۵۰٪
		پشتوانه تجربی	۱۸	۵۰٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪

ردیف	متغیرهای تحلیلی	مقوله‌های تحلیلی	فراوانی	درصد
۴	زمینه سیاست‌ها و راه‌کارها	تک زمینه‌ای	۲۱	۵۸٪
		چند زمینه‌ای	۱۵	۴۲٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۵	نوع تغییر سیاستی	تغییر ساختارها	۱۰	۲۸٪
		تغییر رفتارها و کارکردها	۱۵	۴۲٪
		ترکیب عوامل تغییر ساختاری و رفتاری-کارکردی	۱۱	۳۰٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۶	افق زمانی	کوتاه مدت	۷	۱۹٪
		میان مدت	۱۵	۴۲٪
		بلند مدت	۱۴	۳۹٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪
۷	سطوح سیاستی	سطح ملی و فرابخشی	۱۱	۳۰٪
		سطح بخشی	۱۹	۵۳٪
		سطح فردی-سازمانی	۶	۱۷٪
		جمع	۳۶	۱۰۰٪

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

کارآفرینی، شاخصی تأثیرگذار بر رشد اقتصادی کشورهاست که توجه دولت‌ها را به خود جلب کرده و بر اساس آن، سیاست‌های حمایتی متنوعی برای رونق فعالیت‌های کارآفرینانه در کشورها به اجرا درآمده است. در سالیان اخیر، دولت‌ها به‌طور جدی کارآفرینی را تشویق کرده‌اند. در ایران نیز توجه سیاست‌گذاران به مقوله کارآفرینی، عمری کوتاه دارد و از همین رو، ابزارها و سیاست‌های توسعه کارآفرینی آنگونه که شایسته است فرصت بلوغ نیافته‌اند. به تبعیت از آن، دانش سیاست‌گذاری کارآفرینی نیز سابقه چندانی نداشته است.

پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مطالعات سیاست‌گذاری کارآفرینی در ایران انجام شده است. بدین منظور از تکنیک فراتحلیل و مرور سیستماتیک متون پژوهشی استفاده شده و روندها، روش‌شناسی، محتوا و دانش موجود از جنبه‌های مختلف بررسی و تحلیل شدند. در ادامه چشم‌اندازهایی در قالب پیشنهادها و توصیه‌های سیاستی ارائه می‌شوند.

با توجه به اینکه اثرگذاری سیاست‌های کارآفرینی بین تمام افراد جامعه و گروه‌های مختلف از لحاظ حوزه‌های فعالیت، پایگاه و طبقه اجتماعی، سطح و مکان فعالیت و ... است، توصیه می‌شود پژوهش‌های این حوزه معطوف به تمامی بخش‌ها و حوزه‌های جامعه باشد. چراکه علم کارآفرینی

و سیاست‌های توسعه‌ای مبتنی بر آن، از نوع میان رشته‌ای بوده و نیازمند در نظر گرفتن جوانب مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قانونی، فناوری و سیاسی است.

از طرفی دیگر، بخش قابل توجهی از فعالیت‌های کارآفرینانه در جامعه تو سط گروه‌های اقلیت از جمله زنان، مهاجران، جوانان، اقلیت‌های دینی و مذهبی، معلولین و ... انجام می‌شود در حالیکه سیاست‌های قابل توجهی برای این گروه‌ها تنظیم نشده و به تبعیت از آن، پژوهش‌هایی که به طور خاص به این افراد پرداخته باشند بسیار کم و محدود است. به عنوان نمونه، زنان نیمی از جمعیت فعال کشور را تشکیل می‌دهند در حالیکه سیاست‌هایی که به طور منسجم و مشخص به توسعه کارآفرینی زنان پرداخته باشند، وجود ندارد. بنابراین پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و محققان به طیفی گسترده از گروه‌های مختلف توجه داشته باشند.

نکته قابل توجه در تحقیقات سیاست‌گذاری کارآفرینی در کشورمان، انجام تحقیقات با تخصص‌های متنوع و به صورت تیمی و گروهی و همچنین محورهای موضوعی متنوع است. تنوع رشته‌ها در پژوهش‌های حوزه سیاست‌گذاری کارآفرینی بر میان رشته‌ای بودن این حوزه پژوهشی تاکید دارد و انجام تحقیقات به صورت تیمی و گروهی در محورهای موضوعی متنوع، بر مشارکت هدفمند و متمرکز محققان که این مهم، نیازمند تایید و تقویت است.

در موضوعات مرتبط با روش‌شناسی تحقیقات پیشین، از نظر جهت‌گیری پژوهش، بیشتر پژوهش‌ها کاربردی بوده و تنها ۶ درصد آنها به ارزشیابی سیاست‌ها اختصاص داشته‌اند. این در حالی است که اهمیت ارزیابی در فرآیند سیاست‌گذاری بر کسی پوشیده نیست و بدون ارزیابی، این فرآیند ناقص خواهد بود. بنابراین پیشنهاد می‌شود تحقیقات این حوزه به ارزیابی سیاست‌های کارآفرینی و نتایج برنامه‌های تدوین شده در اسناد مختلف سیاستی همچون برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور، برنامه‌های تخصصی توسعه کارآفرینی و ... بپردازند. با ارزیابی سیاست‌ها می‌توان عملکرد تدوین کنندگان و اجرا کنندگان سیاست‌ها را پایش کرده و بازخوردهای مناسب ارائه کرد. از نظر فلسفه پژوهش نیز بیشتر پژوهش‌ها در فضای اثبات‌گرایی و تفسیری بوده و کمتر پژوهشی با رویکرد فلسفه انتقادی انجام شده است. با توجه به اهمیت نقد و ارزیابی در فرآیند سیاست‌گذاری، توصیه می‌شود پژوهش‌های بیشتری با فلسفه انتقادی، به نقد و ارزیابی سیاست‌های حوزه کارآفرینی انجام شوند.

با توجه به روش‌شناسی و استراتژی پژوهش‌ها، بیشتر پژوهش‌ها با استفاده از روش‌شناسی کمی و استراتژی پیمایش و فنون آماری انجام شده‌اند. با توجه به جدید بودن حوزه موضوعی

سیاست گذاری کارآفرینی، بدیهی است که ضعف نظری و مفهومی بیشتری در این حوزه وجود دارد. لذا توصیه می شود پژوهش ها به روش های کیفی و آمیخته و همچنین نظریه پردازی در این حوزه توجه جدی تری معطوف دارند. استفاده بیشتر از استراتژی های پژوهشی مطالعه موردی، داده بنیاد و نظایر آن می تواند راهگشای توسعه نظری این حوزه باشد.

از دیگر موضوعات قابل توجه در پژوهش های سیاست گذاری کارآفرینی، افق پژوهشی است. عمده تحقیقات این حوزه به صورت تک مقطعی بوده اند و داده های مورد نیاز برای انجام پژوهش در یک مقطع زمانی گردآوری شده است. این در حالی است که سیاست گذاری، فرآیندی پویا است و پژوهش در این حوزه نیازمند انجام یک فرآیند طولی و چند مقطعی در گذر زمان است. هرچند انجام پژوهش هایی در طول زمان، نیازمند زمان، هزینه و طی کردن فرآیند پیچیده تری نسبت به تحقیقات مقطعی است اما از آنجا که سیاست گذاری یک فرآیند است و نتایج سیاست های طراحی شده در طول زمان آشکار می شود، بنابراین انجام پژوهش های طولی و چندمقطعی برای تحلیل سیاست ها ضروری است.

در رویکردهای سیاستی آنچه اهمیت دارد، نگاه نظام مند و همه جانبه است. بدیهی است توسعه کارآفرینی معطوف به در نظر گرفتن و رشد همه جانبه بخش ها و عوامل مختلف است و توجه به بخش خاص و بی توجهی به سایر بخش ها، نتیجه ای جز اتلاف زمان و سایر منابع نخواهد داشت. رویکردهای سه گانه برر سی شده نشان می دهد که در رویکرد اول، تنها ۲۲ درصد از تحقیقات، ترکیبی از عوامل نهادی و غیر نهادی را در نظر داشته یا در رویکرد سیاستی دوم، ۳۳ درصد از تحقیقات به ترکیبی از انگیزه ها، فرصت ها و مهارت ها توجه کرده اند. در رویکرد سیاستی سوم نیز ۱۹ درصد از تحقیقات ترکیب عوامل سمت عرضه و تقاضای کارآفرینی توجه کرده اند. با توجه به نتایج، توصیه می شود پژوهش ها، ترکیبی از عوامل توسعه کارآفرینی در نظر داشته باشند.

به عنوان مثال، در رویکرد اول، عوامل نهادی رسمی و غیر رسمی، با یکدیگر رابطه داشته و بر توسعه کارآفرینی موثرند و نمی توان اثر آنها بر توسعه کارآفرینی را از یکدیگر تفکیک کرد. همچنین وضعیت مولفه های رویکرد دوم (فرصت ها، انگیزه ها و مهارت ها) و رویکرد سوم (تقویت سمت عرضه یا تقاضای کارآفرینی) نیز به همین ترتیب است.

بررسی سایر متغیرهای تحلیلی سیاست پژوهی از جمله محتوای سیاستی، پشتوانه سیاستی، زمینه سیاست ها و راه کارها، نوع تغییر سیاستی، افق زمانی در نظر گرفته شده و سطوح سیاستی نشان می دهد عوامل در نظر گرفته شده برای متغیرهای مذکور بیشتر تک وجهی بوده و درصد پایینی از تحقیقات،

ترکیبی از عوامل مختلف را به‌عنوان راه‌کار برای توسعه کارآفرینی در نظر داشته‌اند. لذا توصیه می‌شود رویکردهای ترکیبی، در اولویت پژوهش‌گران این حوزه قرار گیرد.

## منابع

### الف- فارسی

- احمدپور داریانی، محمود و علائی، سوسن (۱۳۸۶). «استراتژی توسعه کارآفرینی در بخش فرهنگ». *فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. دوره ۳. شماره ۸. صص. ۳۹-۱۷.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۸). «روش شناسی تدوین خط‌مشی ملی کارآفرینی کشور: چارچوب مفهومی». *فصلنامه توسعه کارآفرینی*. سال ۲. شماره ۶. صص. ۱۲۵-۱۵۵.
- ذاکر صالحی، غلامرضا و قانع‌راد، سیدمحمدامین (۱۳۹۴). «مرور نظام‌مند و فراتحلیل پژوهش‌های ایرانی در قلمرو مطالعات اجتماعی علم و فناوری». *فصلنامه مطالعات اجتماعی ایران*. دوره ۹. شماره ۲. صص. ۶۳-۲۹.
- صادقی فسایی، سهیلا و خادمی، عاطفه (۱۳۹۵). «فرا تحلیل پژوهش‌های بعد از انقلاب اسلامی در موضوع آموزش زنان». *فصلنامه راهبرد فرهنگ*. شماره ۳۳. صص. ۱۹۹-۱۷۱.
- نادری، احمد (۱۳۹۶). «فرا تحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: مطالعه اثربخشی عوامل تبیین‌کننده عینی، انگیزشی-ذهنی، فرهنگی-اجتماعی و نهادی». *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی*. دوره ۲۴. شماره ۲. صص. ۲۹۰-۲۵۹.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۵). «پایش و بهبود نظام کارآفرینی ایران. گزارش اول: شناخت وضع موجود مبتنی بر شاخص‌های *GEI*». معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال.
- هاولت، مایکل و رامش، ام (۱۳۸۰). «مطالعه خط‌مشی عمومی». ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.

### ب- انگلیسی

- Acs, Z. J., Audretsch, D. B., Braunerhjelm, P., and Carlsson, B. (2004). The Missing Link: The Knowledge Filter and Entrepreneurship in Endogenous Growth. *CEPR Discussion paper* (2004). No. 4783, Center for Economic Policy Research, London.

- Acs, Z. J., Szerb L. & Autio E. (2016). Enhancing Entrepreneurship Ecosystems. A Systems of Entrepreneurship. *Approach to Entrepreneurship Policy. In: Global Entrepreneurship and Development Index 2015*. Springer Briefs in Economics. Springer, Cham.
- Alvarez, C., Urbano, D., Coduras, A. & Ruiz Navarro, J. (2011). "Environmental conditions and entrepreneurial activity: a regional comparison in Spain", *Journal of Small Business and Enterprise Development*, 18 (1), 120-140. <https://doi.org/10.1108/14626001111106460>
- Anderson, J. E. (2004). *Public policy making*, New York: Houghton Mifflin.
- Audretsch, D. (2005). The Emergence of Entrepreneurial Economics. In: Vinig RCW, Van DerVoort (Eds) *Res Tech Innov Manage Policy*, 9 (2005), 37–54.
- Audretsch, D. B. & Thurik, R. (2001). What is new about the new economy? Sources of growth in the managed and entrepreneurial economies. *Industrial and Corporate Change*, 10 (2001), 267-315.
- Audrestch, D. B., Thurik, A. R., Verheul, I. & Wennekers, S. (2002). *Entrepreneurship: Determinants and Policy in a European-US Comparison*. Boston, Dordrecht and London: Kluwer.
- Barr, K. & Mintz, A. (2018). Public Policy Perspective on Group Decision-Making Dynamics in Foreign Policy. *The Policy Studies Journal*, 46 (1), 69-90.
- Foss, L. Henry, C., Ahl, H. & Mikalsen, G. H. (2018). Women's entrepreneurship policy research: a 30-year review of the evidence, *Small Business Economics*. (2018), 1-22.
- Henrekson, M. & Stenkula, M. (2010). *Entrepreneurship & Public Policy*, Handbook of Entrepreneurship Research.
- Henry, C., Orser, B., Coleman, B. & Foss, L. (2017). Women's Entrepreneurship Policy: a 13 Nation Cross-Country Comparisons, *International Journal of Gender and Entrepreneurship*. 18 (1). 12-27.
- Holtz, E. & Harvey, R. S. (2004). *Public Policy and the Economics of Entrepreneurship*, Massachusetts Institutes of Technology Publications.
- Hölzl, W. (2010). The Economics of Entrepreneurship Policy: Introduction. *Journal of Industry, Competition and Trade*. 103 (2010), 187-197.
- John, P. (2018). Theories of policy change and variation reconsidered: a prospectus for the political economy of public policy, *Policy Sciences*, 51 (1), 1–16.
- Lundström, A. & Stevenson, L. (2001). *Entrepreneurship Policy: Theory & Practice*, CA: Kluwer Academic Publishers.



- Lundström, A., Vikström, F. M., Meuleman, M., Glodek, Storey, D. & Kroksgård, A. (2017). Measuring the Costs and Coverage of SME and Entrepreneurship Policy: A Pioneering Study. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 384 (2017), 941–957.
- Minniti, M., Bygrave, W. & Autio, E. (2006). *2005 Global Entrepreneurship Monitor Report*. London; Babson Park, MA: London Business School and Babson College.
- Mintrom, M. & Luetjens, J. (2017). Policy entrepreneurs and problem framing: The case of climate change, *Environment and Planning C: Politics and Space*, (2017), 1–16.
- Murdock, K. A. (2012). Entrepreneurship policy: Trade-offs and impact in the EU. *Entrepreneurship & Regional Development*, 24 (9-10), 879–893.
- Navarro, L. (2018). Entrepreneurship policy and firm performance Chile's CORFO Seed Capital Program, *Estudios de Economia*, 45 (2), 301-316.
- OECD. (2007). *OECD Framework for the Evaluation of SME and Entrepreneurship Policies and Programmes*. ISBN: 978-92-64-04008-3.
- Rigby, J. & Ramlogan, R. (2013). *The Impact and Effectiveness of Entrepreneurship Policy*. CA: Nesta.
- Rocha, H. & Birkinshaw, J. (2007). Entrepreneurship Safari: A Phenomenon-Driven Search for Meaning, *Foundations and Trends in Entrepreneurship* 33 (2007), 205-255.
- Shane, S. A. (2008). *The Illusions of Entrepreneurship*. New Haven and London: Yale University Press.
- Shankar, R. K. & Nithyananda, K. V. (2017). Developing Entrepreneurship Policy in India: Looking for Order in Chaos, *Twelfth Biennial Conference on Entrepreneurship*. (2017), 185-192.
- Stel, A.V., Carree, M. & Thurik, R. (2004). The Effect of Entrepreneurship on National Economic Growth; an Analysis Using the GEM Database. *SCALES-Paper*, N200320.
- Stevenson, I. & Lundström, A. (2007). Dressing the emperor: the fabric of entrepreneurship policy, in D. B. Audretsch, I. Grilo, & A. R. Thurik (eds). *Handbook of Research on Entrepreneurship Policy*. Cheltenham: Edward Elgar, (2007), 94-130.
- UNCTAD (2012). *Entrepreneurship Policy Framework and Implementation Guidance*. New York and Geneva, United Nation, unctad.org.
- Verheul, I. (2001). An eclectic theory of entrepreneurship: policies, institutions and culture. *Tinbergen Institute*, (2001) 6-36, available through <http://www.tinbergen.nl>.